

Political Economy of "Peace-Oriented Development": a Framework of a New Path for Iran's Economic Development

Saeed Attar*

Abstract

Peace is one of the most moral human concepts and Peacebuilding is also an issue that has been the subject of reflection by thinkers in the fields of ethics and philosophy for centuries. However, recent studies show that peace is not a purely moral issue but a phenomenon with economic benefits. This is especially important for Iran which is facing various internal and mainly external tensions. By using descriptive-analytical method, the paper examines the meaning of peace and its economic benefits from a theoretical and empirical perspective and then discusses the issue that despite benefiting from some of the benefits of economic development in recent decades, Iran not only has long been caught in various economic traps, but also the level of internal and external tensions has increased, and as a result, needs a transition to a new path of economic development. The results show that "Peace-Oriented Development" is a suitable alternative to get out of the traps and bottlenecks of the country's development. How to build peace-oriented development is a question that is answered in the final section of the paper in the form of a triple plan for changing interests-ideology-institutions.

* Associate Professor of Political Science at Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Yazd, Iran, s.attar@yazd.ac.ir

Date received: 2022/2/15, Date of acceptance: 2022/6/20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲۹۸ بررسی مسائل اقتصاد ایران، سال ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

Keywords: Peace, Economic Development, Peace-Oriented Development, Political Economy, Iran

JEL Classification: P16, O10, H11

اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور: چارچوبی از مسیری جدید برای توسعه اقتصادی ایران

سعید عطار*

چکیده

صلح، یکی از اخلاقی‌ترین مفاهیم بشری است و صلح‌سازی هم مساله‌ای است که قرن‌ها، موضوع تامل اندیشمندان حوزه‌های اخلاق و فلسفه بوده است. با این حال، مطالعات متاخر نشان می‌دهند که صلح، نه موضوعی صرفاً اخلاقی بلکه پدیده‌ای با عواید اقتصادی است. این مساله، به خصوص برای کشور ما که با تنش‌های مختلف داخلی و عمدتاً خارجی مواجه است، اهمیت دارد. مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا معنای صلح و عواید اقتصادی آن از منظر نظری و تجربی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس این موضوع را به بحث می‌گذارد که ایران به‌رغم بهره‌مندی از برخی عواید توسعه اقتصادی در دهه‌های اخیر، مدتهاست که هم در تله‌های مختلف اقتصادی گرفتار شده و هم سطح تنش‌های داخلی و خارجی کشور افزایش یافته و در نتیجه، نیازمند گذار به مسیر جدیدی از توسعه اقتصادی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که برای خروج از تله‌ها و تنگناهای توسعه کشور، «توسعه صلح‌محور» مسیر جایگزین مناسبی است. اینکه چگونه می‌توان توسعه صلح‌محور ساخت، پرسشی است که در بخش پایانی این نوشتار در قالب یک طرح سه گانه تغییر منافع-ایدئولوژی-نهادها، چارچوبی از پاسخ به آن ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: صلح، توسعه اقتصادی، توسعه صلح‌محور، اقتصاد سیاسی، ایران

طبقه‌بندی JEL: P16, O10, H11

* دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران،
s.attar@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

صلح و توسعه، پدیده‌هایی مربوط به تاریخ اخیر زندگی انسانها هستند. در درازنای تاریخ، نبود صلح و وجود فقر و عقب‌ماندگی، وضعیتی رایج و بعضاً عادی تلقی می‌شد. کتاب استیون پینکر (۱۴۰۰) به ما نشان می‌دهد که تنها در طی چند دهه یا چند قرن اخیر است که رفتار خشونت‌آمیز در جوامع بشری کاهش یافته و جوامع، بسیار بیشتر از آنچه در تاریخ طولانی‌شان تجربه کرده بودند، به سمت صلح‌سازی حرکت کرده‌اند و همین، تغییرات مهمی در زندگی اجتماعی آنها رقم زده است. در همین مدت و به موازات صلح‌سازی، جوامع بسیاری از فقر نجات پیدا کرده و توانستند فرصت‌های زیادی برای شکوفاشدن استعدادها و قابلیت‌های شهروندان خود ایجاد کنند.^۱

این نوشتار، تلاش می‌کند با تمرکز بر صلح به عنوان یکی از اخلاقی‌ترین مفاهیم بشری، نشان دهد که صلح، نه موضوعی صرفاً اخلاقی بلکه پدیده‌ای با عواید اقتصادی است. این مساله، به خصوص برای کشور ما که با تنش‌های مختلف داخلی و عمدتاً خارجی مواجه است، اهمیت دارد. نوشتار حاضر، ضمن بررسی معنای صلح و عواید اقتصادی صلح از منظر نظری و تجربی، این موضوع را به بحث می‌گذارد که ایران به‌رغم تجربه بهبود درآمدهای ملی و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر، مدتهاست که در تله‌های مختلف گرفتار شده و به همین دلیل، حرکت در مسیر توسعه صلح‌محور، اقدامی مهم برای خروج از این تله‌ها و تنگناهاست. اینکه چگونه می‌توان توسعه صلح‌محور ساخت، پرسشی است که در بخش پایانی این نوشتار، چارچوبی از پاسخ به آن ارائه خواهد شد. پاسخ به پرسش چگونگی، دشوارترین مرحله در هر پژوهشی است چرا که میزان مجهولات ما بسیار بیشتر از معلومات فعلی است. به گفته نورت (North) (۲۰۰۵: ۷)، اگرچه امروزه درباره عوامل موفقیت توسعه، چیزهای زیادی می‌دانیم اما هرگز چیز چندانی در مورد چگونگی نیل به این هدف نمی‌دانیم. از اینرو، طرح بحث چگونگی در بخش پایانی، گامی اولیه در جهت برشمردن برخی از محورهای اصلی توسعه صلح‌محور است.

۲. اهمیت صلح

۹۲ سال پیش، وقتی از جان مینارد کینز (John Maynard Keynes) خواستند تا نظرش را در مورد وضعیت جهان در ۱۰۰ سال بعد بگوید، او در یک سخنرانی با عنوان «احتمالات

اقتصادی برای نوادگان ما» (Economic Possibilities for our Grandchildren) (۱۹۳۰)، برداشتی خوش‌بینانه از آینده ارائه کرد و تحقق این سرعت بالای پیشرفت را منوط به وجود ۳ پیش‌شرط دانست: افزایش ظرفیت مهار رشد جمعیت، تداوم پیشرفتهای علمی و توانایی برای اجتناب از جنگ و درگیری‌های داخلی. کینز اجتناب از نزاع و درگیری (یا چنانکه خواهیم گفت، صلح منفی) به عنوان یکی از پیش‌شرطهای توسعه را یک سال بعد از پایان جنگ جهانی اول، در کتاب کمتر دیده شده‌اش در ایران با عنوان «عواقب اقتصادی صلح» (The Economic Consequences of the Peace) (۱۹۱۹)، به طور مبسوط پرداخته بود. از پایان جنگ جهانی دوم که اقتصاد توسعه در واکنش به نیاز کشورهای تازه استقلال یافته آسیایی و آفریقایی به وجود آمد^۲ تا به اکنون، موضوعات متعددی مورد توجه تحلیلگران توسعه قرار گرفته است. در میان این موضوعات، صلح کمتر محل توجه و بررسی بوده است. برای قرن‌ها، صلح موضوعی فرعی در علوم اقتصاد و سیاست بوده و عمدتاً در حوزه‌های اخلاق و فلسفه مورد توجه برخی از اندیشمندان این حوزه‌ها قرار گرفته است.

اگر به روندهای پس از جنگ جهانی دوم نگاه کنیم، در خواهیم یافت که در طول بیش از ۷۵ سال گذشته، هرچند جهان عاری از جنگ‌های داخلی و بین‌المللی نبوده اما همین دهه‌ها، صلح‌آمیزترین دوران تاریخ ثبت شده بشر بوده (عجم‌اوغلو، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۳) و در همین دوره، بزرگترین موفقیت‌ها در زمینه توسعه کشورها هم اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد که خروج از فقر با خروج از چرخه فقدان صلح هم‌زمان بوده است. با این حال، در کشورهای زیادی از مناطق مختلف در تمام قاره‌ها، روندهای مخربی از جمله افزایش نابرابری‌ها، افزایش شدید احساس محرومیت نسبی، کاهش سرمایه اجتماعی، قاچاق و جریانه‌های مالی غیرقانونی، تغییرات اقلیمی، ظهور تکنولوژی‌های جدید تشدیدکننده شکافهای اجتماعی و... وجود داشته و همه اینها، بسترهایی را برای تنش، خشونت و جنگ ایجاد کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که از سال ۲۰۰۷ به این سو، تعداد مردمانی که در مناطق پرتنش زندگی می‌کنند ۲ برابر افزایش یافته به طوری که مثلاً در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) (Middle East and North Africa- MENA)، از هر ۵ نفر ۱ نفر در مناطق پرتنش و مرگبار زندگی می‌کند (World Bank, 2020: 5). همین کشورها، درگیر مساله توسعه‌نیافتگی نیز هستند.

تقریباً در تمام گزارش‌های سالهای اخیر شاخص جهانی صلح (Global Peace Index)، منطقه منا در پائین‌ترین سطح بهره‌مندی از صلح قرار داشته است. در گزارش سال ۲۰۱۸، محاسبه شده که هزینه مستقیم و غیرمستقیم خشونت و ناامنی برای کشورهای این منطقه، ۱.۷۹ تریلیون دلار بوده است (Institute for Economics & Peace, 2018: 20). در طول دو دهه اخیر، ۹ کشور از ۱۸ کشور منطقه خاورمیانه، درگیر کشمکش‌های مستقیم ژئوپولیتیکی بوده‌اند و ۱۷۵ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی این ۹ کشور خسارت وارد شده است (McKinsey Global Institute, 2021: 24). در آخرین گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) پیش‌بینی شده، کشمکش و خشونت تا سال ۲۰۳۰، زندگی مردم دو سوم کشورها با درآمد کم و متوسط را شدیداً تحت تاثیر قرار خواهد داد. اگر تصویر قسمت خوب جهان امروز می‌گفت که صلح و توسعه در یک مسیر حرکت کرده‌اند، تصویر قسمت بد جهان امروز هم می‌گوید که صلح، کالای کمیاب اما حیاتی برای بسیاری از مناطق جهان از جمله منطقه ما است.

۳. معنای صلح و ریشه‌های نزاع: به سوی صلح مثبت

در ادبیات حوزه صلح، به فقدان جنگ، کشمکش، کودتا، انقلاب، شورش، قتل، تجاوز و تمام آشکال خشونت «صلح منفی» (Negative Peace) می‌گویند. با این حال، معنای صلح در ابعاد دقیق‌ترش را باید در تعبیر ایجابی آن یا در قالب «صلح مثبت» (Positive Peace) یافت. به تعبیر کیلی (Killelea) (۲۰۲۰: ۱۵)، صلح مثبت به معنی نگرشها، نهادها و ساختارهایی است که جوامع صلح‌جو را ایجاد و حفظ می‌کنند. این جوامع صلح‌جو، صلح در میان خود (محلّی و ملی)، با دیگران (بین‌المللی) و با طبیعت را در اولویت قرار می‌دهند. تاکید بر نگرشها، نهادها و ساختارهایی که جوامع را صلح‌جو می‌کند به یک دلیل ساده است: عمده نزاع‌ها، نزاع بر سر منابع و سرمایه‌هاست و دامنه آن می‌تواند به نزاع میان آدمها و تخریب محیط‌زیست منجر شود. نه فقط در اقتصاد بلکه جامعه‌شناسان مطرحی چون پیر بوردیو نشان داده‌اند که در جامعه، میدان‌ها (یا به زبان اقتصادی، بازارها) زیادی وجود دارد و در هر میدان (بازار)، منبع و سرمایه‌ای وجود دارد که عده‌ای برای دستیابی به آن، رقابت یا نزاع می‌کنند.^۳

جدا از پژوهشهایی که منازعه را ناشی از سرشت انسان می‌دانند (به عنوان نمونه، واستکیز (Vasquez)، ۱۹۹۳) یا آن را حاصل فرآیندهای روانشناختی و روانشناسی اجتماعی می‌دانند (به عنوان نمونه، دی‌واین و همکاران (Devine et al.)، ۱۹۹۴)^۴، خواست دسترسی به منابع و کنترل آنها، همیشه یکی از مهمترین دلایل بروز کشمکش و نزاع بوده است؛ مخصوصاً زمانی که منابع، کمیاب هستند (یعنی تقریباً همیشه) و با وجود کمیابی منابع، قوانین و هنجارهای دسترسی به و کنترل بر منابع یا نهادینه نشده یا در صورت وجود قوانین و هنجارهای مستحکم، آنها ناعادلانه تلقی می‌شوند یا با سوء استفاده‌های مکرر از چارچوبهای قانونی و هنجاری، بی اثر شده‌اند. در نتیجه، رقابت غیرضابطه‌مند و غیرعادلانه بر سر منابع کمیاب، عمده‌ترین دلیل بروز کشمکش و نزاع محسوب می‌شود (ورنون (Vernon)، ۲۰۱۶). به دلیل فهم دقیق از ریشه‌های نزاع است که صلح مثبت، جامع‌ترین تعریف از صلح محسوب می‌شود.

۴. چارچوب نظری توسعه صلح محور: صلح برای توسعه یا توسعه برای صلح؟

در سال ۱۹۰۶، یافته‌های لئون والراس^۵ نشان داد قدری از توسعه اقتصادی برای صلح لازم است و صلح نیز برای دستیابی به قدری از توسعه اقتصادی لازم است. این عبارتی است که وقتی برخی سیاستمداران در دهه‌های بعد به مفهوم «سود صلح»^۶ اشاره می‌کردند، در ذهن داشتند. بعدها، این مفهوم مورد استفاده تحلیلگران رشته‌های مختلف نیز قرار گرفت (به عنوان نمونه، داروی (Darvy)، ۱۹۹۵؛ تروندالین (Trondalen)، ۲۰۱۱). از منظر مطالعات موجود، پاسخ به این پرسش که صلح برای دستیابی به توسعه مهم است یا توسعه برای تحقق صلح، روشن است: یافته‌های دسته‌ای از مطالعات، نشان‌دهنده اهمیت توسعه برای صلح است و یافته‌های دسته‌ای دیگر، گواهی است بر اهمیت صلح برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای. شواهد علمی نظام‌مندی در این مورد وجود دارند (به عنوان نمونه، بلومبرگ و هس (Blomberg and Hess)، ۲۰۰۲؛ جون و ورکورن (Junne and Verkoren)، ۲۰۰۴) که منازعات داخلی، منازعات بیرونی و رکودهای اقتصادی همدیگر را تقویت می‌کنند و صلح داخلی و خارجی و توسعه مقوم یکدیگر هستند.

تقریباً روشن است که دستیابی به صلح بدون وجود سطحی از توسعه اقتصادی ناممکن است و نمی‌توان جوامعی را پیدا کرد که بدون رسیدن به مواهب توسعه اقتصادی، به درجه بالایی از صلح (یعنی صلح مثبت) رسیده باشند. دلیل آن این است که عوامل اقتصادی از جمله سطح بالای فقر، بیکاری و تورم، محیط پُرتنش را ایجاد می‌کنند و ریسک‌های سیاسی را در کشور افزایش می‌دهند. به عبارت دیگر، عملکرد ضعیف اقتصادی به کاهش امکان برقراری صلح در کشور منجر شده و همین، به بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود (فرزانگان (Farzanegan)، ۲۰۱۷).

زمانی که وضعیت اقتصادی یک کشور، نامطلوب و فرصت‌های اقتصادی بسیار اندک باشند، شهروندان خود را در وضعیت حاصل جمع صفر خواهند دید و همین، بستر لازم را برای تشدید نزاع‌ها (بر سر منابع) فراهم خواهد کرد. برعکس، در صورت رشد اقتصادی بالا و وجود فرصت‌های اقتصادی، این باور تضعیف خواهد شد که شهروندان در یک بازی با حاصل جمع صفر گرفتار شده‌اند. مثلاً توسعه اقتصادی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ داخلی در قرن نوزدهم، احساس حاصل جمع صفر بودن زندگی در آن جامعه را به شدت کاهش داد. یا در نمونه‌ای دیگر، رشد اقتصادی در ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۶۰، باعث شد تا همگرایی و ادغام زنان، سیاه‌پوستان و دیگر اقلیت‌ها در اقتصاد و جامعه تسهیل و تشوای نژادی، کاهش پیدا کند (کریسبرگ و دایتون، ۱۳۹۷: ۱۲۴ و ۳۱۲).

با این حال، آن طرف معادله به این روشنی نیست. نکته مهم در سمت دوم معادله این است که توسعه اقتصادی، به صورت خود به خود، منجر به صلح مثبت نمی‌شود چرا که فعالیت‌های اقتصادی، مقولاتی خشی و بی‌طرف نیستند و برخی رویه‌ها در توسعه اقتصادی حتی می‌تواند آثار نامطلوبی برای صلح نیز داشته باشد. در پیشبرد توسعه اقتصادی، چنانچه فعالیت‌ها و رویه‌های اقتصادی، منجر به حذف گروه‌های هویتی مشخصی شوند یا با ایجاد نابرابری‌های غیرضرور در توزیع ثروت، به تشدید محرومیت و نارضایتی عمومی بیانجامند یا با تخریب محیط زیست، محیط زندگی مردم را تخریب کنند، همین فرآیندها به تشدید تنش‌ها و نزاع‌ها در جامعه منتهی می‌شوند.^۷ مطالعات نشان می‌دهد که علاوه بر نابرابری و فقر، فساد نیز که در مسیر توسعه کشورها، پدیده آشنایی است، منبع تولید نارضایتی و نزاع است (کوپلارو و مک‌کنزی (Coppolaro and McKenzie)، ۲۰۱۳).

از طرف دیگر، کشورهایی را می‌توان نام برد (مانند چین) که در آنها دولتهای اقتدارگرا با تضمین صلح منفی، توسعه اقتصادی را محقق می‌کنند بدون آنکه نگرشها، نهادها و ساختارهایی برقرار کنند که گشوده به روی همگان (inclusive) باشد. این به معنای توسعه بدون صلح مثبت است. به نظر می‌رسد حداقل در کوتاه و میان‌مدت، توسعه اقتصادی را می‌توان صرفاً با تضمین صلح منفی محقق کرد؛ هرچند تداوم توسعه در محیطی که در آن، ساختارهای ایجادکننده صلح مثبت ضعیف هستند، با تردیدهایی جدی مواجه است. در نتیجه، جوامع حداقل در بلندمدت به مسیرهایی از توسعه اقتصادی نیاز دارند که به ارتقاء صلح مثبت در جامعه کمک کند.

اگر برای تداوم توسعه اقتصادی در بلندمدت، نیاز به صلح مثبت است، برای آغاز توسعه اقتصادی، وجود صلح منفی احتمالاً کافی است. مطالعات نشان می‌دهند که درجه بالایی از نوسانات اقتصادی، یکی از ویژگی‌های مشترک کشورهای است که در وضعیت نامناسبی از نظر صلح منفی قرار دارند. در این کشورها، متعاقب دوره کوتاه رشد، دوره‌هایی از رکود و انقباضهای شدید اقتصادی آغاز می‌شود. بحرانهای اقتصادی که پیامد فقدان صلح منفی هستند، خود می‌توانند به نوسانات بیشتر اقتصادی و در نتیجه، به تشدید تنش‌ها در جامعه منجر شوند. شاید کمتر اقتصاددانی تردید داشته باشد که نوسانات طولانی‌مدت اقتصاد کلان، زمینه لازم را برای وقوع نرخ‌های بالای تورم، کاهش ارزش پول ملی و افزایش بدهی‌های دولت فراهم می‌کند. این سه مورد، باعث تشدید بی‌ثباتی و افزایش تنشها می‌شوند (Institute for Economics & Peace, 2018: 28). در واقع، در هم کنش فقدان صلح منفی و توسعه‌نیافتگی، یک چرخه رذیلت در این کشورها ایجاد می‌کند.

پژوهشهای تجربی زیادی در مورد تاثیر نزاع‌های شدید بر رشد و توسعه اقتصادی انجام شده است. به عنوان نمونه، یک تحلیل در مورد عملکرد اقتصادی کشورها در بازه زمانی ۱۹۶۰ - ۱۹۸۹ نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی با نزاع‌های شدید داخلی و خارجی همبستگی منفی دارد (کوبی (Koubi)، ۲۰۰۵). علاوه بر این، فقدان یا ضعف صلح، به شیوه غیرمستقیم نیز بر سطح رشد و توسعه اقتصادی کشورها تاثیر می‌گذارد. کشورهایی که در وضعیت تنش‌های داخلی یا خارجی هستند، بخش بزرگتری از منابعشان را در حوزه‌های دفاعی و نظامی خرج می‌کنند و بر طبق قاعده کمیابی، منابع کمتری را به زیرساختهای اجتماعی و اقتصادی که برای انباشت سرمایه و توسعه انسانی مهم هستند، تخصیص می‌-

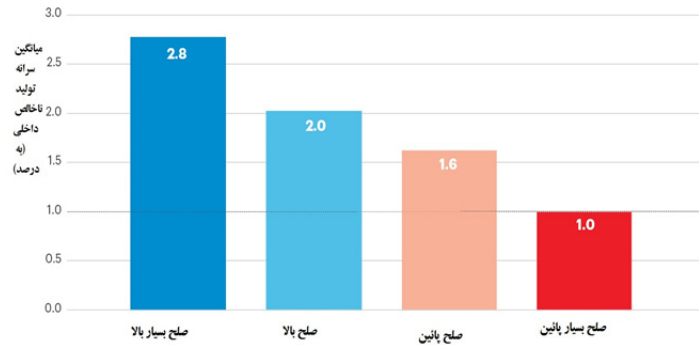
دهند و به همین دلیل، تنش‌های داخلی یا خارجی بر مسیر رشد بلندمدت آنها تاثیر نامطلوبی خواهد داشت.^۹

۵. صلح و عملکرد اقتصاد: داده‌های تجربی

تاثیر وضعیت ناصح بر اقتصاد، مساله‌ای است که هم به لحاظ نظری قابل تحلیل است و هم می‌توان آن را با داده‌های آماری تایید کرد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۷، تاثیر اقتصادی خشونت بر اقتصاد جهانی، ۱۴.۷۶ تریلیون دلار (بر حسب PPP) برابر با ۱۲.۴ درصد کل تولید ناخالص جهانی بوده است (Institute for Economics & Peace, 2018: 2). این داده‌ها که توسط موسسات مختلف جمع‌آوری و محاسبه می‌شوند، مبنای تجربی خوبی برای این موضوع فراهم می‌کنند. یکی از این موسسات، موسسه اقتصاد و صلح با مدیریت استیو کیلی (Steve Killelea)^۹ است.

بر اساس داده‌های منتشر شده از رشد تولید ناخالص داخلی در سطح جهان، در طول سالهای بین ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۸ کشورهای بالایی که در سطح بالایی از شاخصهای صلح قرار دارند، حدود ۳ برابر بیشتر از کشورهای دارای سطح پائین صلح، رشد اقتصادی داشته‌اند. در حالی که میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای دارای سطح بالای صلح، ۲.۸ درصد بوده، رشد کشورهای دارای سطح پائینی از صلح کمتر از ۱ درصد بوده است. هرچند احتمالاً بین صلح و توسعه ارتباط علی وجود ندارد اما روندهای این دو شاخص، نشان‌دهنده همبستگی میان آنها است. شکل زیر نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۰ به بعد، در سطوح مختلف صلح در کشورها، نرخ رشد سالانه متفاوتی وجود داشته است. روند بلندمدت در رشد اقتصادی نشان‌دهنده وجود یک واگرایی در سرانه رشد تولید ناخالص داخلی کشورها بر حسب سطوح متفاوت صلح در آنهاست. سرانه رشد در کشورهای دارای سطح بالای صلح، ۲۰ برابر بیشتر از کشورهایی بوده که سطح صلح در آنها پائین است و همین باعث شده تا نرخ رشد آنها در بلندمدت بالاتر باشد.

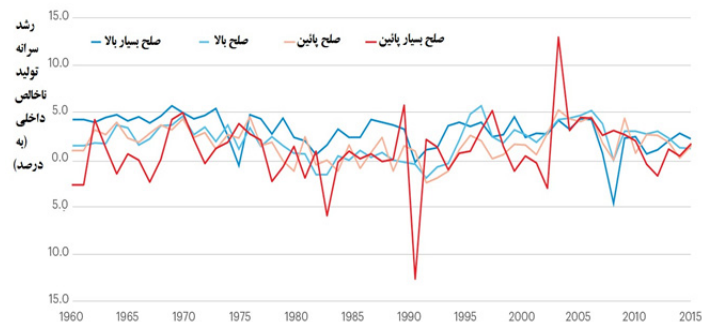
اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور ... (سعید عطار) ۳۰۷



شکل ۱. رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۱۹۶۰-۲۰۱۶)

منبع: Institute for Economics & Peace, 2018: 29

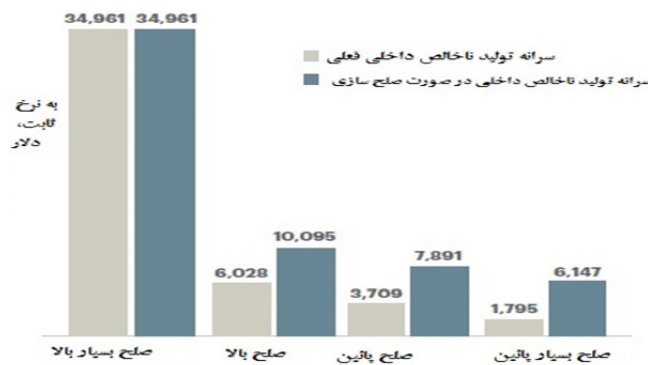
پایداری سطح پائین رشد سرانه درآمد در کشورهای دارای سطوح پائین تر صلح، آنها را با این چالش مواجه کرده که نتوانند بدون دگرگونی اساسی در ساختارهای خود، استانداردهای زندگی شان را ارتقاء دهند و به دلیل احتمال اندک رخداد چنین دگرگونی، شاید این نتیجه به دست آید که آنها تا آینده‌ای معلوم در وضعیت کمتر توسعه‌یافتگی باقی خواهند ماند. همان‌طور که از وضعیت کشورهای دارای سطوح پائین تر صلح در شکل زیر مشخص است، انحراف از میانگین بلندمدت، نشان‌دهنده نوسان بیشتر در رشد و ایجاد چرخه‌های بیشتر رونق و رکود است. کشورهای دارای سطوح پائین تر صلح که ثبات اقتصاد کلانشان هم پائین بوده، ۷ برابر بیشتر انحراف از میانگین رشد داشته‌اند.



شکل ۲. روند رشد بلندمدت اقتصادی در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۱۹۶۰-۲۰۱۶)

منبع: Institute for Economics & Peace, 2018: 29

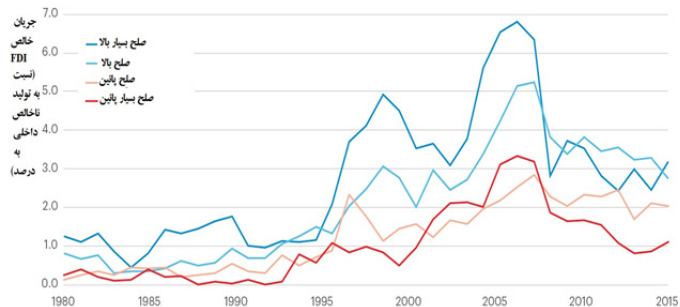
اگر ظرفیت رشد اقتصادی کشورهای دارای سطح پائین صلح، همین ظرفیتی بود که در طول ۶۰ سال گذشته داشتند اما این کشورها، اقدامات موثری در صلح سازی انجام می دادند و به سطوح بالاتر صلح می رسیدند، سرانه تولید ناخالص داخلی آنها چقدر می توانست بالاتر باشد؟ همانطور که شکل زیر نشان می دهد، سرانه تولید ناخالص داخلی آنها می توانست به ۶۱۴۷ دلار برسد در حالی که در عمل، سرانه تولید ناخالص داخلی آنها ۱۷۹۵ دلار است. این، نشان دهنده شکاف ۴۳۵۲ دلاری در سرانه تولید این کشورهاست که می توانست با صلح سازی محقق شود. در این صورت، ۱۳۸۷ تریلیون دلار نیز به تولید جهانی اضافه می شد (Institute for Economics & Peace, 2018: 30).



شکل ۳. شکاف رفاه در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۲۰۱۶)

منبع: Institute for Economics & Peace, 2018: 30

همین همبستگی را می توان میان سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) و صلح نیز مشاهده کرد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی، یکی از تعیین کننده ترین عوامل رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. مطالعات تجربی نشان داده اند که سرمایه گذاری خارجی، نه تنها منبع تامین بسیاری از نیازهای مالی است بلکه همچنین احتمالاً می تواند فن آوری ها و دانش مدیریتی جدید را به کشورها وارد کند. علاوه بر این، سرمایه گذاری خارجی با افزایش جریانهای تجاری، باعث ادغام اقتصاد کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی می شود. به استثناء کشورهای دارای منابع طبیعی (و البته نه همه آنها) چنین سرمایه گذاری، کمتر در محیط های پُرتنش اتفاق می افتد.



شکل ۴. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای دارای سطوح متفاوت صلح (۱۹۸۰-۲۰۱۶)

منبع: World bank, Institute for Economics & Peace, 2018: 58

همان‌طور که شکل بالا نشان می‌دهد، از سال ۱۹۸۰ به بعد، میانگین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معادل ۲ درصد از تولید ناخالص کشورهای دارای سطح بالایی از صلح (عمدتاً شامل کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه) بوده در حالی که این رقم برای کشورهای دارای سطح پایینی از صلح معادل ۰.۸۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آنها بوده است.

۶. پیشینه پژوهش در نوشته‌های فارسی

با وجود اینکه صلح‌سازی برای بهبود عملکرد اقتصاد کشورها مهم است، پژوهش‌های بسیار اندکی در حوزه اقتصاد صلح انجام شده است. بر اساس مقالات علمی که در مگ‌ایران (بزرگترین بانک اطلاعات نشریات کشور) نمایه شده، عمده ۲۳۵۶ مقاله علمی با کلیدواژه صلح در حوزه‌های غیراقتصادی از جمله اندیشه (به عنوان نمونه، جمشیدی، ۱۳۹۶)، حقوق (به عنوان نمونه، طاهریان و هادی‌تبار، ۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی (به عنوان نمونه، رستمی و فیروزکاه، ۱۳۹۹) و روابط بین‌الملل (به عنوان نمونه، کریمی، ۱۴۰۰) طبقه‌بندی می‌شوند. همین مساله، نشان‌دهنده ضرورت توجه بیشتر پژوهشگران حوزه‌های اقتصاد و اقتصاد سیاسی در ایران به موضوع مهم اما مغفول‌مانده صلح است. در بخش زیر، به پژوهش‌هایی اشاره شده که به لحاظ محتوا، تا حدی به نوشتار حاضر نزدیک هستند.

اصغرپور و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های سری‌های زمانی سالانه سیاسی و اجتماعی، به بررسی تاثیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۳۹-۱۳۸۸ پرداخته‌اند. نویسندگان با استفاده از تکنیک APARCH، اثر متغیر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی (بر اساس ۲ شاخص بی‌ثباتی سیاسی رسمی و غیررسمی) را مورد آزمون قرار داده‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد متغیرهای مربوط به هر دو شاخص بی‌ثباتی سیاسی، تاثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند.

اسماعیل‌نیا و وصفی اسفستانی (۱۳۹۵) با تمرکز بر شاخصهای مختلفی چون شکنندگی دولتها، درک فساد، صلح و مخارج نظامی با استفاده از تحلیل پانل دیتا برای ۱۳۵ کشور (از جمله ایران) در دو دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، آثار اقتصادی دو رویکرد سستی و نوین امنیتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که مولفه‌های مخارج نظامی و شکنندگی دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند. همچنین، بررسی رابطه «شاخص جهانی صلح» و «شاخص شکنندگی دولتها» با میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد شاخص جهانی صلح دارای تاثیر مثبت و شاخص شکنندگی دولت دارای تاثیر منفی است. در کل، شاخصهای منبعث از رویکردهای سستی، تاثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ندارند و رویکردهای نوین به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل نامنم کننده، ارتباط مثبتی با مولفه‌های اقتصادی در جوامع مختلف دارند.

اسدی‌دریندی (۱۳۹۷)، با تمرکز بر رویکرد نوین صلح و توسعه اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن، تاثیر صلح و امنیت بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها را در سطح نظری مورد بررسی قرار داده است. این مقاله که با استفاده از روش تحلیل توصیفی انجام شده، به جنبه‌های مختلف جهانی‌شدن و تاثیر آن بر رشد و توسعه کشورها می‌پردازد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که از یک سو، جهانی‌شدن با ظهور شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی، دولت-ملت را محدود می‌کند و از سوی دیگر، برخلاف گذشته که امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد، امروز جهانی‌شدن در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی مطرح است که باعث شده تا تهدیدات، از حالت نظامی صرف خارج شوند. از طرف دیگر، نتایج بررسی‌های این مقاله حاکی از آن است که رویکردهای نوین به صلح و امنیت با توجه به ساختارگرا بودن آنها، ارتباط تنگاتنگی با رشد و توسعه اقتصادی در جوامع مختلف دارند.

مونتقی (۱۴۰۰) به بررسی توسعه صلح‌محور و مولفه‌های پرداخته است. وی با نقد رهیافت نئولیبرال و با تمرکز بر رویکرد اقتصاد سیاسی به توسعه صلح‌محور، این فرضیه را مورد بررسی قرار داده که صلح، دموکراسی و توسعه ۳ رکن اصلی پارادایم توسعه صلح‌محور هستند که دولت، صاحبان سرمایه و جامعه مدنی در تعامل سازنده با یکدیگر می‌توانند به تحقق هر سه کمک کنند. یافته‌های مقاله که با استفاده از روش توصیفی به دست آمده، نشان می‌دهد که الگوی توسعه صلح‌محور می‌تواند راه را برای دموکراسی هموار کند.

به جز مقالات مجلات علمی، یک مقاله ارائه شده در همایش نیز در این موضوع وجود دارد. در این مقاله، مومنی (۱۳۹۸) به بررسی نسبت صلح و علم اقتصاد پرداخته است. وی، ضمن نقد رویکرد بازارگرا، وجوه نظری و عملی آسیب‌های این رویکرد را مورد بررسی قرار داده و تلاش کرده تا سازوکارهای اندیشه‌ای و عملی مشخصی برای برون‌رفت از چالش‌های ناشی از اجرای رویکرد بازارگرا در مسیر حرکت به سوی امنیت، صلح و اخلاق ارائه کند. در مجموع، همان‌طور که از محتوای این معدود پژوهشها مشخص است، هیچ‌یک از آنها با رویکرد اقتصاد سیاسی به موضوع اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور در ایران نپرداخته‌اند.

۷. «بهای» مسیر گذشته: اهمیت یک نگاه جدید به توسعه اقتصادی در ایران

به یک معنا، رشد اقتصادی حاصل از بهبود مستمر تولید ملی، خلق درآمد و ثروت، کسب معیشت مناسب و پایدار برای مردم، انباشت مستمر سرمایه و حفظ منابع و محیط زیست برای نسل کنونی و نسلهای آینده، اجزاء چندگانه توسعه پایدار هستند. از پروژه‌های اقتصادی انتظار می‌رود که بر این موارد تاثیر مثبتی داشته باشند. با این حال، عمده پروژه‌های توسعه‌ای، پروژه‌هایی با تمرکز بر یک یا چند هدف به بهای نادیده‌گرفتن بقیه اهداف هستند. به عنوان نمونه، یک پروژه بزرگ معدنی، حق مالکیت و تعدادی فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند (مانند تحقق رشد اقتصادی و خلق درآمد برای دسته‌ای از مردم و انباشت سرمایه) اما می‌تواند چند هدف دیگر را قربانی کند (مانند تخریب محیط‌زیست و افزایش نابرابری‌ها در منطقه). این موارد، «بهای» چنین مسیر توسعه‌ای هستند.

بیش از یک قرن از شکل‌گیری مسیر توسعه ایران از دوران پس از مشروطه به بعد گذشته و این مسیر از دهه ۱۳۲۰ با تدوین اولین برنامه توسعه، شکل و ماهیت خاصی پیدا کرده است. با اینکه در طول این دهه‌ها، فراز و فرودهای زیادی اتفاق افتاده اما برخی از مولفه‌های ثابت نیز وجود داشته است. در تمام این مدت که از درون اتفاقات بزرگ سیاسی و حتی انقلاب نیز گذشته، حضور سنگین دولت و نظام برنامه‌ریزی دولتی در اقتصاد از یک طرف و تمرکز بر صنایع سنگین (ذوب آهن، فولاد و... به مدد درآمدهای نفتی) به عنوان پیشران اقتصادی کشور از طرف دیگر ثابت باقی مانده است. این دو مولفه تقریباً ثابت، خصلتی به مسیر توسعه ایران داده که در ابتدای این بخش به آن اشاره شد: قربانی کردن برخی از اهداف توسعه به بهای رسیدن به چند هدف دیگر توسعه.

ظهور مسیرهای جدید توسعه به کمک انقلاب صنعتی چهارم به همراه تداوم طولانی مدت حرکت در مسیر گذشته و کاهش تاب‌آوری محیطی و انسانی برای پرداخت بهای آن، به قفل‌شدگی اقتصاد ایران منجر شده است. هرچند در این مورد می‌توان شواهد متعددی را مثال زد و به طیف وسیعی از پیامدهای این مسیر توسعه از تخریب‌های محیط‌زیستی تا تضعیف سرمایه اجتماعی اشاره کرد و توضیح داد که علیرغم عواید مسیر گذشته از جمله کاهش میزان فقر، توسعه شهرها، دسترسی نسبی عموم به امکانات رفاهی و بهداشتی و... تداوم پرداخت هزینه‌های این مسیر، خسارتهای جبران‌ناپذیری به جامعه و توسعه آتی کشور وارد خواهد کرد^۱ اما مسیر موجود توسعه کشور، حتی عواید اقتصادی پیشین خود را نیز از دست داده و اقتصاد کشور را در تله‌های مختلف گرفتار کرده است. از میان تله‌های متعدد، «تله درآمد متوسط»، یکی از مهمترین آنهاست.

بر پایه تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، محدوده درآمد سرانه ۲۰۰۰ تا ۷۵۰۰ دلار (به قیمت جاری) و یا ۷۵۰۰ تا ۱۱۵۰۰ دلار (به نرخ دلار ثابت ۱۹۹۰) را «درآمد متوسط» دانسته‌اند. دستیابی به درآمد سرانه بیش از ۲ هزار دلار به این معنی است که این کشورها توانسته‌اند با خروج نسبی از فقر و محرومیت شدید، بر مشکلاتی مانند گرسنگی بخشهای بزرگی از جمعیت غلبه کنند. با این وجود، این کشورها در زمینه رفاه و برخورداری، فاصله معناداری با کشورهای پیشرفته دارند. در واقع، این کشورها علیرغم تجربه رشدهای بالا، یا با کاهش نرخ رشد و یا حتی با دوره‌های رکود و عقب‌گرد مواجه شده و از دستیابی به درآمد سرانه بالاتر از این میزان و کاهش فاصله خود با کشورهای

اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور ... (سعید عطار) ۳۱۳

پیشرو ناتوان شده‌اند. چنانچه کشوری در طول ۲۸ سال یا بیشتر (به قیمت جاری) و ۱۴ سال یا بیشتر (به نرخ دلار ثابت)، در این دامنه درآمدی قرار داشته باشد، در تله درآمد متوسط گیر افتاده است (گیل و خاراس (Gill and Kharas)، ۲۰۱۵: ۸-۹).



شکل ۵. درآمد سرانه ایران (۱۹۶۰-۲۰۲۰)

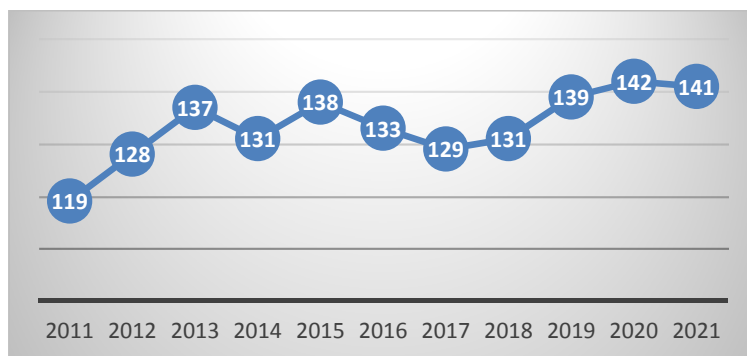
منبع: world bank, 1960-2020

شکل بالا نشان می‌دهد که درآمد سرانه ایران (به قیمت جاری) در طی چند دهه اخیر در الگویی از «حرکت-توقف» قرار داشته و اقتصاد ایران در طول ۴۵ سال گذشته (۱۹۷۵ تا ۲۰۲۰)، به جز چند سال (نیمه اول دهه ۱۹۹۰ که درآمد سرانه به زیر ۲۰۰۰ دلار و سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ که به بالای ۷۵۰۰ دلار رسید)، نزدیک به ۴۰ سال در تله درآمد متوسط گیر کرده است. وضعیت افت درآمد سرانه به خصوص در یک دهه اخیر، وخیم تر شده است. بررسی حسابهای ملی (بانک مرکزی) در طول نزدیک به دو دهه اخیر نیز تایید می‌کند که در حالی که درآمد سرانه سال ۱۳۸۳ (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)، ۵.۷ میلیون تومان بوده و درآمد سرانه در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۷.۳ میلیون تومان رسیده بود، درآمد سرانه در سال ۱۳۹۸ به ۴.۸ میلیون تومان سقوط کرده است. به دلیل اینکه در خارج قسمت اقتصاد ایران، مخرج یعنی جمعیت و نیازها سریع‌تر از صورت یعنی تولید ملی افزایش پیدا کرده، افول اقتصادی اتفاق افتاده است. این به معنای ناتوانی اقتصاد ایران برای گذار به درآمد سرانه بالاتر و خروج پایدار از تله درآمد متوسط است.

هرچند دلایل متعددی را برای گیرافتادن کشورها در تله درآمد متوسط ذکر می‌کنند (به عنوان نمونه، آلونسو و آکامپو (Alonso and Ocampo)، ۲۰۲۰). با این حال، یکی از مهمترین

اقدامات برای خروج از این تله، افزایش توانمندی‌های فناورانه و تقویت نظام نوآوری در سطح ملی، بخشی و بنگاهی (شرکتی) است که این مساله، اهمیت شکل دادن به همکاری-های گسترده میان افراد، گروهها و مناطق در سطح ملی و کشورها در سطح بین‌المللی را نشان می‌دهد.^{۱۱} به عبارت دیگر، صلح‌سازی در داخل و خارج است که می‌تواند با تضمین همکاری‌های پایدار میان واحدهای مختلف، به ارتقاء توانمندی‌های فناورانه و تقویت نظام نوآوری و در نتیجه، خروج از تله درآمد متوسط کمک کند.

با این حال، گیرافتادن کشور در تله درآمد متوسط، در زمانی اتفاق افتاده که کشور در شاخص‌های صلح نیز افول داشته است. داده‌های مربوط به وضعیت ایران در شاخص‌های صلح نشان می‌دهد که در طول ۱۱ سال اخیر، رتبه ایران از ۱۱۹ (در میان ۱۵۳ کشور) به رتبه ۱۴۱ (در میان ۱۶۳ کشور) سقوط کرده و در سال ۲۰۲۱، تنها یک رتبه بهتر از کشور اوکراین است که با تنش‌های زیادی در داخل و خارج مواجه است.^{۱۲} این مساله، نشان دهنده نوعی همبستگی (نه علیت) میان وضعیت صلح و وضعیت عمومی اقتصاد کشور است.



شکل ۶. وضعیت ایران در شاخص جهانی (۲۰۱۱-۲۰۲۱)

منبع: Institute for Economics & Peace, Global Peace Index 2011-2021

برای خروج از تله‌های مسیر کنونی توسعه کشور و رفتن به سمت مدارهای رشد و توسعه بالاتر، ضروری است تا رویکردی مدنظر قرار گیرد که ضمن حفظ بخش‌های مفید مسیر گذشته، به فراسوی آن گام بردارد. چالز هندی (۱۳۹۸: ۲۵-۲۶) به خوبی توضیح می‌دهد که برای حرکت به جلو در بسیاری از عرصه‌های زندگی لازم است که بسیاری از معادلات به طور بنیادی تغییر کنند و مسیر نوینی برگزیده شود که متفاوت از مسیر فعلی باشد. از این منظر، نیاز به راه و روشی کاملاً جدید در نگاه به مسائل تکراری است. مفهومی

که توماس کوهن آن را «تغییر پارادایم» (Paradigm Shift) نامید. هندی به درستی می‌گوید که مشکل واقعی این است که این دگرگونی زمانی باید آغاز شود که مسیر قبلی هنوز هم به نسبت معایش، مزایای زیادی دارد. درست در زمانی که مسیر قبلی رشد و توسعه، در حال پیشروی است، سیاستگذاران ارشد کشور، باید به مسیرهای جدید و متفاوت فکر کنند و فرصتهای بیشتری برای رفتن به سمت مسیر جدید را برای بازیگرانی ایجاد کنند که بیرون از مسیر رشد و توسعه قبلی بودند.

با توجه به مجموعه داده‌های مربوط به وضعیت اقتصاد ایران در طول دهه‌های اخیر، به نظر می‌رسد که در ایران، از میانه دهه ۱۳۸۰، مسیر قبلی رشد و توسعه اقتصادی به سمت هزینه‌های بیشتر و فواید کمتر حرکت کرده و کشور در تله‌های مختلف از جمله چنانکه اشاره شد، در تله درآمد متوسط گرفتار شده است.^{۱۳} به خصوص در میانه دهه ۱۳۸۰، منابع گسترده ارزی حاصل از فروش نفت بالای ۱۰۰ دلار، میزان بدهی‌های دولت، حجم نقدینگی، وضعیت محیط‌زیست و بسیاری از دیگر شاخصها، در وضعیت بسیار بهتری به نسبت امروز قرار داشتند.^{۱۴} در شرایط حاضر، با کمبود بسیاری از منابع و از دست رفتن فرصتهای گذشته برای تغییر مسیر، اجرای تغییر بسیار دشوارتر شده است. با این حال، استدلال اصلی نوشتار حاضر این است که به دلیل گسترش دامنه منازعات در حوزه‌های مختلف، افول شدید وضعیت شاخص صلح و خطر به هم ریختگی‌های بزرگ سیاسی و اجتماعی، راه جدید رشد و توسعه اقتصادی ایران باید از مسیری گذر کند که در آن صلح-سازی، متغیر اصلی است. این مسیر، توسعه صلح‌محور است.

این مساله به خصوص به دلیل قراردادن ایران در منطقه خاورمیانه و تنش‌های متعدد با دنیای خارج حیاتی است. منطقه منادافل در ۶۰ سال گذشته، ناآرام‌ترین و بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان بوده است. عمده بی‌ثباتی‌های این منطقه، نتیجه نزاع‌های سیاسی، قومی و در طول چند دهه اخیر، نزاع‌های مذهبی و پیامد آن یعنی ظهور گروه‌های تروریستی بوده است. از نزاع اعراب و اسرائیل شامل دستکم ۲۶ بحران و ۵ جنگ (گانگوپادیای و الکانج (Gangopadhyay and Elkanj)، ۲۰۱۶: ۲) و جنگ اخیر (۲۰۲۱) اسرائیل در نوار غزه تا جنگ ۸ ساله میان ایران و عراق و جنگ‌های نیابتی ایران با برخی کشورهای منطقه به خصوص اسرائیل و عربستان، تنها بخشی از تاریخ نزاع و درگیری در این منطقه پراشوب

است. اگر به این موارد، جنگهای داخلی در کشورهایی مثل لیبی، سوریه و یمن نیز اضافه کنیم، تصویر دقیق تری از وضعیت جنگ و صلح در منطقه خواهیم داشت. علاوه بر این، تنش های خارجی و داخلی در ایران هم هزینه های سنگینی بر اقتصاد ایران وارد کرده و هم بخش بزرگی از ظرفیت های اقتصاد کشور را تحلیل برده است. مطالعه فرزائگان (۲۰۲۰: ۱۲۹) نشان می دهد که دو نزاع درونی و بیرونی در بازه زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ (هزینه های انقلاب و جنگ)، با از بین بردن سرانه درآمد واقعی به میزان ۴۰ درصد (در صورت نبود انقلاب و جنگ)، هزینه ای در حدود ۱.۵ تریلیون دلار برای اقتصاد ایران داشته و به طور تجمیعی، متوسط درآمد از دست رفته هر ایرانی در مدت مورد اشاره ۳۴ هزار و ۶۶۰ دلار بوده است. برخی از برآوردها نیز نشان می دهند که تنش های ایران با غرب و تحریم های پیامد آمد، هزینه سنگینی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است.^{۱۵} برای خروج از وضعیتی که به تخریب ظرفیت های اقتصادی کشور منجر شده، راه جدید رشد و توسعه اقتصادی ایران باید از مسیر توسعه صلح محور گذر کند.

۸. اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور: چه باید کرد؟

در مسیر صلح سازی، مشکلاتی که باید رفع شوند، پیچیده اند. به دلیل اینکه این مشکلات، توامان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اند و چنان در هم تنیده شده اند که یک به یک حل کردن آنها، تقریباً غیرممکن است، نیاز به طراحی مجموعه سیاست های چندوجهی و منسجمی است. در کوتاه مدت، می توان از حوزه هایی شروع کرد که «بهای مسیر گذشته» بودند. پروژه های اقتصادی در رویکرد جدید، باید مرتباً به این سوال پاسخ دهند که تا چه حدی می توانند ایجاد فرصت های برابر برای همه، حفظ محیط زیست و تطبیق با شرایط اقلیمی را تضمین کنند؟ به عبارت دیگر، پروژه ها و تصمیمات اقتصادی باید به این پرسش پاسخ دهند که چقدر می توانند بر صلح میان افراد و با طبیعت تاثیر بگذارند؟ رویکرد جدید توسعه صلح محور، موضوعات جدیدی را در منظر سیاستگذاران قرار می دهد. در این رویکرد، دولت باید به پروژه هایی اولویت بدهد که گروه های نادیده گرفته شده مسیر قبل و حفظ محیط زیست را در نظر گرفته باشند؛ پروژه هایی که به گسترش صلح در میان طیف وسیع تری از افراد جامعه و دوری از تخریب محیط زیست کمک می کنند.

در سطح کلان، اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور سه حوزه در هم تنیده «منافع-انگیزه»، «ایدئولوژی» و «نهادها» را در نظر می‌گیرد. این ۳ موضوع، مشخص می‌کنند که با در نظر گرفتن تاثیر متقابل نیروهای سیاسی و نیروهای اقتصادی، چگونه می‌توان توسعه صلح-محور ساخت. این سه حوزه، چارچوب مسیری را مشخص می‌کنند که توسعه و صلح را در آینده ایران تضمین خواهد کرد. در این ادامه، چارچوبی از این بحث ارائه می‌شود.

۱.۸ انگیزه‌ها و منافع تنش و توسعه صلح محور

چرا دسته‌ای از گروهها از تنش حمایت می‌کنند؟ در نگاه اول، پاسخ به این پرسش چیزی نیست جز تمایلات یک «فرهنگ جنگ طلب».^{۱۶} اقتصاد سیاسی از طریق مفاهیمی چون «اقتصاد جنگ»^{۱۷} یا «اقتصاد نزاع» (Conflict Economy)، پاسخ ساده‌ای می‌دهد: برخی افراد و گروهها، از تنش نفع می‌برند و به همین دلیل، برای تداوم وضعیت ناصالح، انگیزه دارند. دو مفهوم به نسبت جدیدند اما این موضوع که دسته از افراد، از جنگ و نزاع بهره می‌برند، مساله بسیار قدیمی است. از دوران کهن، اقتصاد جنگ برای دسته‌ای از افراد (شامل سیاستمداران، نظامیان، اشراف و برخی از مردم عادی)، حوزه‌ای سودآور بوده است. در دوران مدرن، به خصوص وجود منابع در مناطق مورد مناقشه نیز سطح نزاع را افزایش داد.^{۱۸} در نتیجه، منافع حاصل از اقتصاد جنگ، می‌تواند امکان دستیابی به صلح را در این کشورها تضعیف و تحقق توسعه صلح محور را با دشواری مواجه کند.

گزارش توسعه جهانی بانک جهانی (۲۰۱۱: ۵) نشان می‌دهد که میانگین هزینه جنگ داخلی معادل ۳۰ سال رشد تولید ناخالص داخلی است. در گزارشی دیگر، جنگ در سه کشور یمن، سوریه و لیبی، ۴۲ تا ۸۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها پیش از شروع جنگ را کاهش داده است. کشمکش‌های سیاسی و خشونت در منطقه از سال ۲۰۱۰ به بعد، ۱۷۵ میلیارد دلار معادل ۷ درصد تولید ناخالص داخلی کل منطقه را در طی ۱۰ سال گذشته از بین برده و هزینه بازسازی این مناطق به حدود ۸۰۰ میلیارد دلار می‌رسد (McKinsey Global Institute, 2021: 91 and 94). در این تنشها و ویرانی‌ها، با وجود هزینه‌های ملتها، منافع دسته‌ای از گروهها نهفته است.

پژوهشها (به عنوان نمونه، الگین (Elgin)، ۲۰۲۰) نشان می‌دهند که افزایش تنشها و وجود حدی از درگیری‌های داخلی یا خارجی، باعث شکل‌گیری و گسترش اقتصاد

غیررسمی می‌شود. اقتصاد غیررسمی علیرغم آنکه در تمام کشورها وجود دارد اما ابعاد آن در کشورهای دارای رتبه‌های پائین صلح، بسیار وسیع‌تر است. بخش بزرگی از اقتصاد غیررسمی مربوط به اقتصاد زیرزمینی و قاچاق است. یکی از انگیزه‌های گروه‌های جنگ-طلب، گسترش دادن اقتصاد غیررسمی و نفع‌بری از آن است. بررسی اقتصاد سیاسی عراق در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که بخشی از تداوم وضعیت تحریم و جنگ در این کشور، حاصل منافع گروه‌های مختلف داخل این کشور بود (لونی (Looney)، ۲۰۰۷). برآوردهای مختلفی از سهم اقتصاد زیرزمینی از اقتصاد ایران ارائه شده اما در مجموع، در بسیاری از پژوهش‌ها به اعدادی بالاتر از ۲۵ درصد اشاره شده است.^{۱۹} در نتیجه تمرکز بر این حوزه، یکی از محورهای اصلی توسعه صلح‌محور است.

۲.۸ ایدئولوژی، تنش و توسعه صلح‌محور

تحقق توسعه صلح‌محور چقدر مدیون ایدئولوژی دولتهاست؟ احتمالاً به جز ایدئولوژی-های مرگباری که اعتقادی به حقوق طبیعی انسانها ندارند و ذاتاً، نگاهی همدلانه به جهان ندارند (مانند فاشیسم)، باقی ایدئولوژی‌ها استعداد رفتن به سمت توسعه و احتمالاً توسعه صلح‌محور را دارند. ایدئولوژی، یک کالای انسان‌ساخته است و مانند خود انسانها، نیروهای خیر و شر را با هم دارد. این خصلت ترکیبی ایدئولوژی (مشابه فرهنگ) باعث می‌شود تا در هر دوره و بر حسب شرایط و تجربیات و با تفاسیری جدید، عنصری از یک ایدئولوژی، برجسته و باقی عناصر به حاشیه رانده شوند؛ چیزهایی در منظر جامعه و نخبگانش قرار بگیرند و چیزهایی به حاشیه بروند. پشت این تفسیرها و جابجایی‌ها، رنج‌ها و مرگ‌ها نهفته است. سوال درست این است: آیا تفسیری توسعه‌گرا از یک ایدئولوژی ناتوسعه‌گرا، به فرآیند توسعه صلح‌محور کمک خواهد کرد؟ پاسخ احتمالاً آری است اگر در تفسیر جدید از ایدئولوژی سابق، حداقل یک محور زیر وجود داشته باشد:

۱. بر محور حقوق طبیعی و عام انسانها تفسیر شود (صلح درونی)؛ و

۲. نگاه همدلانه و همکاری جویانه‌ای به جهان بیرون داشته باشد (صلح بیرونی).

مورد چین، یکی از مثالهای مشهور در این مساله است. در سطح کلان، ایدئولوژی کمونیستی چین در طی ۷۰ سال گذشته دو تفسیر را تجربه کرده است. در این کشور، ایدئولوژی کمونیستی مائو با برجستگی عنصر لغو مالیکت خصوصی در داخل (نقض مورد

۱) و صدور انقلاب در خارج (نقض مورد ۲ در نگاه همکاری جویانه به جهان)، به ایدئولوژی کمونیستی دنگ شیائوپینگ و تفاسیر جدیدش با هدف پذیرش مالکیت خصوصی (بخشی از مورد ۱) و برجستگی عنصر همکاری با جهان (مورد ۲) تغییر کرد. ایدئولوژی همان ایدئولوژی کمونیسم چینی بود با تفسیری جدید و جابجایی برخی عناصر^{۲۰}. تجربه ویرانی عصر مائو، افق‌ها را تغییر داد و عنصری را برجسته و باقی عناصر را به حاشیه راند. بخشی از توسعه اقتصادی کشورها محصول همین تفاسیر جدید (افق‌های جدید) و جابجاشدن‌ها (یا جابجا کردن‌ها) است. در واقع، هنر نخبگان چین، ارائه تفسیری از ایدئولوژی حاکم بود که تضمین‌کننده حدی از همکاری و صلح در داخل و خارج باشد.^{۲۱} در نتیجه تمرکز بر این حوزه نیز یکی از محورهای اصلی توسعه صلح محور است.

۳۸ نهادها، تنش و توسعه صلح محور

احتمالاً بدیهی است که وجود نهادهای معتبر در جامعه، مانع ظهور نزاع‌های مخرب می‌شود. این قبیل نهادها، به شکل‌گیری پیوندها میان افراد جامعه کمک کرده و زمینه‌ای برای ایجاد یک هویت مشترک فراهم می‌کنند. در داخل کشورها، برخی نهادهای قانونی و مهمترین آنها، نهادهای قضائی ابزار مهمی برای مدیریت منازعه‌ها و حل و فصل اختلافات هستند. تا زمانی که اعضای جامعه، این نهادها را مشروع بدانند احتمالاً بخش بزرگی از دعاوی به شکل مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌شوند. اگر از نظر بخش‌های وسیعی از مردم، چنین نهادهایی با بحران مشروعیت و اعتبار مواجه باشند، اختلافات احتمالاً شکل ستیزه-جویانه‌ای به خود خواهند گرفت (کریسبرگ و دایتون، ۱۳۹۷: ۶۲-۶۳).

شاخصهای زیادی برای سنجش وضعیت نظام قضائی در کشورها وجود ندارد. با این حال، می‌توان از طریق شاخصهای غیرمستقیم، وضعیت نظام قضائی کشورها را با هم مقایسه کرد. به دلیل نقش تعیین‌کننده نظام قضائی در تضمین حاکمیت قانون (وجود قوانین منصفانه‌ای که به شکلی برابر برای همه اجرا می‌شوند)، شاخص وضعیت حاکمیت قانون یکی از بهترین سنجها برای سنجش عملکرد نظام قضائی محسوب می‌شود.^{۲۲} اگر آخرین رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون (۲۰۲۱) را با آخرین رتبه‌بندی شاخص صلح (۲۰۲۱) تطبیق دهیم، این نتایج به دست می‌آیند:

- ۷۰ درصد (۱۴ کشور) از ۲۰ کشور دارای بهترین وضعیت حاکمیت قانون، جزو ۲۰ کشور با بالاترین وضعیت صلح هستند.

- مقایسه کشورهای انتهای هر دو لیست، کمی دشوارتر است چرا که رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون، ۱۳۹ کشور و رتبه‌بندی شاخص صلح، ۱۶۳ را مورد سنجش قرار داده‌اند. با این حال، اگر به اسامی ۲۰ کشور انتهای رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون نگاه کنید، ۷۰ درصد آنها در فهرست کشورهای با صلح کم یا خیلی کم قرار دارند (یعنی رتبه های ۱۲۴ به بعد).

- در حالی که ایران در رتبه‌بندی شاخص حاکمیت قانون، رتبه ۱۰۰ را کسب کرده (در دسته کشورها با نمره پائین)، رتبه کشور در شاخص صلح ۱۴۱ است که جزء رده کشورها با درجه صلح پائین محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه یک قوه قضائیه بی‌طرف و کارآمد، نقش مهمی در توسعه صلح‌محور خواهد داشت. از طرف دیگر، صلح و توسعه از برقراری و پایداری نهادهای رسمی‌ای منتفع خواهد شد که بتوانند ضمن تضمین چرخش صلح‌آمیز نخبگان در سطح رهبری کشور، آرزوها و امیال رهبران خودمحور را مهار کنند. اهمیت این مساله در توسعه اقتصادی را نورث و همکارانش به خوبی تبیین کرده‌اند.^{۳۳} در کشورهای در حال توسعه، فرصتهای سیاسی و اقتصادی به شدت به هم گره خورده‌اند به طوری که منافع افراد قدرتمند در سطح محلی و ملی را نهادهای سیاسی و قضائی موجود تضمین می‌کنند. در واقع، خواست حفظ نظم نهادی موجود، تلاشی برای برقراری چنین بهره‌مندی‌هایی است. این نکته مهمی است که در گزارش بانک جهانی (۲۰۱۱) نیز بر آن تاکید شده است.

علاوه بر نظام قضائی و نهادهای چرخش قدرت، نهادهای مدنی سومین عامل مهم در مسیر توسعه صلح‌محور هستند. بخشی از نهادسازی برای توسعه صلح‌محور، نه در حوزه‌های بازار و دولت بلکه در درون جامعه مدنی اتفاق می‌افتد. در کشور ما تصور نادرستی وجود دارد مبنی بر اینکه برای حرکت اقتصاد به سمت تورم پائین، اشتغال بالا و توسعه اقتصادی، لازم است تا ضمن کنترل جامعه مدنی، نظام برنامه‌ریزی متمرکز دولتی در کشور برچیده، بنگاههای دولتی، خصوصی و از اقتصاد کشور، مقررات‌زدایی شود. این در حالی است که جامعه مدنی می‌تواند عملکرد بازار را بهبود دهد. برای مثال، جامعه مدنی می‌تواند به تقویت پیوندهایی کمک کند که برای عملکرد مناسب بازار، ضروری هستند؛ مانند کمک

جامعه مدنی به نظام اشتغال در ژاپن، یا کمک جامعه مدنی به اجتماعات شرکتهای کوچک مقیاس در ایتالیای مرکزی، یا شبکه انبوهی از روابط که شرکتهای بخش مالی بریتانیا - بخش «سیتی» لندن - را به یکدیگر متصل و آنها را بدل به چیزی فراتر از شمار کثیری از شرکتهای رقیب می‌کند. اینها، نمونه‌هایی از بحثی هستند که دو دهه پیش، آمارتیا سن مطرح کرده بود: شواهد تجربی، قویاً حکایت از آن دارند که رشد اقتصادی بیشتر و عملکرد بهتر اقتصاد، محصول یک محیط اقتصادی دوستانه‌تر و مشارکتی‌تر است تا یک نظام سیاسی خشن‌تر» (سن، ۱۳۸۱: ۳۲). برقراری محیط مشارکتی به معنای مشارکت علنی و شفاف همه ذی‌نفعان در فرآیند تصمیم‌گیری هاست.^{۲۴}

از طرف دیگر، در کشورهای توسعه‌یافته، اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها یکی از ابزارهای کاهش منازعه نیروهای کار و کارفرما هستند. با این وجود، تفاوت‌های بعضاً چشمگیری میان کشورها وجود دارد. مثلاً اتحادیه‌های کارگری در امریکا و بریتانیا تلاش می‌کنند تا تمام کسانی را که مهارتهای شغلی مشابهی را در بازار کار عرضه می‌کنند گرد هم آورند، با این امید که بتوانند نرخ جاری در بازار را برای این مهارتها حفظ کنند (لیچنشتاین (Lichtenstein)، ۲۰۱۲: ۱۸۲). متفاوت با آنها، در ژاپن اتحادیه‌های شکل گرفته حول موسسات، سعی می‌کنند تا همه کسانی را گرد هم آورند که آینده‌شان را وقف خدمت به یک شرکت مشخص کرده‌اند. این نوع اخیر از اتحادیه‌ها، اولاً با کنترل رفتار نادرست نیروی کار و ثانیاً کنترل رفتار نادرست با نیروی کار و فشار بر شرکت برای سرمایه‌گذاری در آموزش آنها، موجب بهبود عملکرد شرکت می‌شوند (هان‌یی و همکاران (Hun Yi et al.))، ۲۰۲۱: ۸). یا در نمونه‌ای دیگر، اتحادیه‌های کارگری در آلمان تلاش می‌کنند تا ضمن افزایش دستمزدها و مصالحه میان کارگران و کارفرمایان، بهره‌وری نیروی کار را نیز افزایش دهند. تلاش آنها برای افزایش بهره‌وری نیروی کار، بعضاً باعث سختگیری‌های زیاد در فرآیند استخدام و تمدید قرارداد کارگران (تمدید به شرط بهبود عملکرد) می‌شود. این، رویه «وردی» (Ver.di- Vereinte Dienstleistungsgewerkschaft) دومین اتحادیه بزرگ کارگری در بخش صنایع خدمات در آلمان، با ۲ میلیون عضو بوده است (برینکمن و نَچ-وی (Brinkmann and Nachtwey)، ۲۰۱۳: ۳۵-۳۶). یا در نمونه‌ای دیگر، اتحادیه‌های کارگری سوئد، افزایش دستمزدها و پرداخت‌های انتقالی و یکپارچگی دستمزدی میان بخش عمومی و بخش خصوصی را صرفاً به عنوان هدفی در خود در نظر نمی‌گیرند بلکه همچنین آن را ابزاری برای ارتقاء رشد تولید و بازسازی اقتصادی از طریق تحت فشار

گذاشتن حاشیه سود در شرکتهای ناکارآمد می‌بینند (پنتوسن، ۱۳۹۸: ۱۴۵). همین فشار به حاشیه سود شرکتهای ناکارآمد باعث انحلال برخی از این شرکتها و افزایش انگیزه برای نوآوری و استفاده از راهکارهای دیگر برای افزایش بهره‌وری است. نتیجه اینکه، اصلاح نهادی در سه حوزه، سومین محور توسعه صلح‌محور است.

۹. نتیجه‌گیری

علیرغم دستاوردهای مسیر گذشته توسعه اقتصادی کشور، ایران در طی دهه‌های گذشته با تنشهای داخلی و خارجی متعددی مواجه بوده و همین تنشها، باعث تخریب ظرفیت‌های اقتصادی کشور و افتادن اقتصاد کشور در دام‌های متعدد به خصوص دام درآمد متوسط شده است. توسعه صلح‌محور، نوعی نوآوری در مواجهه با چالشهای مسیر گذشته توسعه اقتصادی ایران است. شومپتر بین اختراعات (inventions) یعنی ایده‌ها یا مفاهیمی که به دلیل عدم استفاده، فاقد ارزش اقتصادی هستند و نوآوری‌ها (innovations) که ایده‌های مورد استفاده و در نتیجه دارای ارزش اقتصادی هستند تمایز قائل می‌شد (سینر و همکاران (Sener et al., ۲۰۱۷: ۲۰۴). برای دستیابی به توسعه صلح‌محور، باید ایده‌های صلح را در متن تلاشهای توسعه‌ای قرار داد و از ترکیب این ایده‌ها، مسیرهای جدیدی از توسعه را پیدا و اجرا کرد. این نوشتار تلاش کرد تا نشان دهد نه تنها صلح، عواید اقتصادی فراوانی دارد بلکه به دلیل چالشهای درهم تنیده و پیچیده‌ای که ایران امروز در آن گرفتار شده، صلح-سازی مسیری مهم برای خروج از وضعیت موجود و حرکت در مدارهای جدید توسعه است. در واقع، صلح مهمترین کالای عمومی است که دولت برای تداوم توسعه کشور و بقاء آینده ایران، باید تولید کند.

تحلیل اقتصاد سیاسی توسعه صلح‌محور به ما امکان می‌دهد تا دریابیم که صاحبان قدرت در انتخاب توسعه توأم با تنش یا همراه با صلح چه منافع دارند، تفسیر ایدئولوژی چه نقشی در توسعه کشورها دارد و چطور می‌توان با اصلاح نهادی، به مدارهای بالاتر توسعه حرکت کرد. توسعه صلح‌محور، مسیرهایی را مشخص می‌کند که در آن، کشورها می‌توانند با صلح‌سازی، اقتصاد را به مدار بالاتری از توسعه حرکت دهند یا از طریق تخریب صلح، توسعه را به مخاطره بیندازند. اینکه در سه‌گانه اقتصاد سیاسی توسعه صلح-

محور، دقیقاً باید چه اقدامات عملی انجام داد و در مواجهه با چالشهای اجرایی چه باید کرد، پرسشهایی هستند که پاسخ به آنها را باید در پژوهشهای مستقلی جستجو کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. توسعه، فرآیندی در جهت بهبود قابلیت‌های انسانهاست. رویکرد قابلیت‌ی به توسعه، محصول پژوهشهای آمارتیا سن است. به عنوان نمونه، بنگرید به: سن، ۱۳۸۱.
۲. برای مطالعه ۲ نسل اول اقتصاددانان توسعه، بنگرید به: میر، ۱۳۸۴.
۳. برای مطالعه بیشتر در مورد دیدگاه بوردیو، بنگرید به: عطار، ۱۳۹۱: ۴۰-۵۵.
۴. مقاله معروف «چرا جنگ؟» از زیگموند فروید، یکی از مقالات کلاسیک این رویکرد است. فروید در این مقاله که در اصل، نامه اوست به آلبرت اینشتین، منازعه و جنگ را حاصل غریزه ویرانگری در نهاد انسان می‌داند. بنگرید به: فروید، ۱۳۷۷.
۵. Léon Walras. نظریه تعادل عمومی والراس، نظریه ای در اقتصاد نئوکلاسیک است که عرضه، تقاضا و قیمت در کل اقتصاد را با در نظرگفتن ارتباط میان بازارهای مختلف تحلیل کند. بنگرید به: شو میتر، ۱۳۹۵.
۶. peace dividends: شعار سیاسی که مارگارت تاچر و جرج بوش پدر در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ مطرح کردند. به نظر آنها، با کاهش هزینه‌های نظامی، مزایای زیادی برای کل اقتصاد به دست می‌آید. گلیدیچ و همکارانش، صورت‌بندی تحلیلی خوبی برای مفهوم سود صلح فراهم کرده و منافع «سود صلح» در فضای پس از جنگ سرد را نشان داده‌اند. بنگرید به: گلیدیچ و همکاران (Gleditsch et al.), ۱۹۹۶.
۷. بر همین مبنا، گروه هشدار بین‌المللی بر مفهوم «فعالتهای تجاری کشمکش‌زا» (conflict-sensitive business practice) تاکید دارد که بر اساس آن، کسب‌وکارهایی که در کشورهای شکننده فعالیت می‌کنند، در صورت تدارک احتیاط‌های لازم در مورد عدم تشدید تنش‌های محلی (از طریق توزیع منصفانه مشاغل، توزیع ثروت و...) می‌توانند به جلوگیری از خشونت کمک زیادی کنند. در نظر نگرفتن چنین احتیاط‌هایی می‌تواند تجارت را به منبع کشمکش و نزاع تبدیل کند. بنگرید به: International Alert, 2005.
۸. برخی مطالعات در مورد تاثیر افزایش بودجه نظامی کشورها بر رشد اقتصادی آنها نشان می‌دهد که برخلاف کشورهای در حال توسعه که افزایش بودجه‌های نظامی، باعث تضعیف رشد بلندمدت اقتصادی آنها می‌شود، با افزایش بودجه‌های نظامی و امنیتی در کشورهای توسعه یافته،

امنیت، حقوق مالیکت و اجرای بهتر قوانین و مقررات در این دسته از کشورها افزایش پیدا کرده و همین، بر رشد بلندمدت آنها تاثیر مثبتی داشته است. احتمالاً دلیل معکوس بودن این رابطه در کشورهای در حال توسعه، گره خوردن فساد با افزایش بودجه‌های نظامی است. دان و تیان (Dunne and Tian, 2016) نشان داده‌اند که اگر برخی دیگر از متغیرهای مهم مانند کمک‌های خارجی را هم در تحلیل در نظر بگیریم، تاثیر منفی بودجه‌های نظامی و امنیتی افزایش بسیار بیشتری را نشان می‌دهد. با این حال، مطالعات در این مورد، بعضاً نتایج متفاوتی داشته‌اند. برای مطالعه یک نمونه که فارغ از نوع کشورها، افزایش این قبیل بودجه‌ها را بر رشد بی‌تاثیر می‌داند. بنگرید به: اسمیت (Smith)، ۲۰۰۰.

۹. استیو کیلی به خصوص در آخرین کتاب خود با عنوان «صلح در عصر هرج‌ومرج» (۲۰۲۰)، ضمن توصیف ماهیت صلح در قرن ۲۱ و ارتباط آن با تفکر سیستمی از یک طرف و ارزشهای اقتصادی صلح از طرف دیگر، شاخصهای ملی و جهانی صلح را مورد بررسی قرار داده و توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان تاب‌آوری جوامع را از طریق صلح‌سازی افزایش داد. بنگرید به: کیلی (Killelea)، ۲۰۲۰.

۱۰. برای مطالعه یک گزارش از چنین مشکلاتی، بنگرید به: فاضلی، ۱۴۰۰.

۱۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد، بنگرید به: سِنِر و شِپِرز (Sener and Schepers)، ۲۰۱۷.

۱۲. با اینکه در سال ۲۰۱۲، وضعیت ۱۵۸ کشور، در سال ۲۰۱۳، ۱۶۲ کشور، در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، ۱۶۲ کشور مورد بررسی قرار گرفته، از سال ۲۰۱۶ به بعد، این بررسی شامل ۱۶۳ کشور شده است.

۱۳. حسین عظیمی، بر این نظر بود که از اواخر دهه ۱۳۷۰، مسیر توسعه کشور، کارآیی خود را از دسته داده و به اصلاحات اساسی و بنیادی نیاز دارد. بنگرید به: عظیمی، ۱۳۸۳.

۱۴. گزارشهای اقتصاد ایران در دو دهه اخیر، شاهدهی در مورد این مساله است. بنگرید به: خلاصه تحولات اقتصادی کشور، ۱۳۸۰-۱۳۹۹. برای مطالعه یک گزارش خوب در وضعیت اقتصاد کشور در این دوره، بنگرید به: زمان‌زاده، ۱۳۹۱. برای مطالعه یک گزارش در مورد وضعیت حوزه محیط‌زیست کشور در این دوره، بنگرید به: ذکایی، ۱۳۹۴. برای مطالعه در مورد وضعیت حوزه اجتماعی کشور در دو دهه اخیر، بنگرید به: موسسه رحمان، ۱۳۹۰؛ و موسوی، جلدهای ۱ و ۲، ۱۳۹۷.

۱۵. به عنوان نمونه، طبق محاسبات عباس آخوندی، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ فقط دوازده میلیارد دلار هزینه داشته است. بنگرید به: ایرنا، ۱۴۰۰.

اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور ... (سعید عطار) ۳۲۵

۱۶. به نظر برخی، در عصر جدید رسانه‌ها هم نقش مهمی در تقویت این فرهنگ دارند. بنگرید به: کاراتزوجیانی (Karatzogianni)، ۲۰۱۲.

۱۷. War Economy: فیلیپ بیلون، جامع ترین تحلیلها را در این مورد ارائه کرده است. به نظر او اقتصاد جنگ، نظامی از تولید، نقل و انتقال و تخصیص منابع با هدف حفظ سطح معینی از خشونت است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: بیلون (Billon)، ۲۰۰۰.

۱۸. در این مورد، بنگرید به: بیلون (Billon)، ۲۰۱۴.

۱۹. به عنوان نمونه، در یک برآورد (علیزاده و غفاری، ۱۳۹۲) ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور مربوط به اقتصاد زیرزمینی است. برای مطالعه، یک تحلیل در این مورد پیوستگی سیاست و اقتصاد در تحلیل اقتصاد غیررسمی، بنگرید به: عطار، ۱۴۰۰.

۲۰. برخی از تحلیلگران، دلیل اینکه پس از مرگ مائو، امکان ارائه تفاسیر جدید از ایدئولوژی رسمی به وجود آمد را وجود فرصتهای سیاسی برای ارائه تفاسیر جدید و تغییر توازن قوا می-دانند. بنگرید به: اُستندورف (Ostendorf)، ۲۰۱۱.

۲۱. برخی مطالعات، سابقه تلاش برای تفسیر ایدئولوژی در خدمت صلح و توسعه را به دوران سلسله هان (۲۰۶ ق.م - ۲۲۰ م) بازمی‌گردانند. بنگرید به: شی (Shi)، ۲۰۲۰.

۲۲. علاوه بر این، حاکمیت قانون نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد. بنگرید به: تربیلکوک و دنی‌یلز (Trebilcock and Daniels)، ۲۰۰۸. در اندونزی نیز در یک دهه گذشته و همزمان با تغییر در تفسیر ایدئولوژی پانچاسیلا، نظام قضائی در جهت تضمین بهتر حاکمیت قانون اصلاح شد. بنگرید به: نودورف (Neudorf)، ۲۰۱۷.

۲۳. بنگرید به: نورث و همکاران، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵.

۲۴. یکی از تجربیات کشورهای اروپای شرقی در دوران پساکمونئیستی این است که حتی در صورتی که نظام سیاسی، توسعه اقتصادی از طریق صلح‌سازی را در اولویت خود قرار دهد اما مشارکت ذی‌نفعان به صورتی غیرشفاف و در پشت درهای بسته صورت گیرد، نه جامعه می-تواند حرکت جدیدی برای سرمایه‌گذاری را آغاز کند و نه از ناطمینانی سرمایه‌گذاران کاسته می‌شود (International Alert, 2015: 22).

کتابنامه

- اسدی‌دربندی، طناز (۱۳۹۷). «تاثیر صلح و امنیت بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها در شرایط ناشی از جهانی شدن (با تاکید بر رویکرد نوین صلح و توسعه اقتصادی)»، *آفاق علوم انسانی*. ۲ (۱۳). ۶۷-۴۹.
- اسماعیل‌نیا، علی‌اصغر و وصفی‌اسفستانی، شهرام (۱۳۹۵). «تاثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب»، *پژوهشنامه اقتصادی*. ۱۶ (۶۱). ۱۲۷-۱۵۴.
- اصغری‌پور، حسین، احمدیان، کسری و منیعی، امید (۱۳۹۲). «بررسی اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در ایران (رهیافت غیرخطی APARCH)»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی*. ۲۱ (۳۸). ۱۷۵-۱۹۴.
- بانک مرکزی. حسابهای ملی سالانه، ۱۳۸۳-۱۳۹۸. در دسترس (فروردین ۱۴۰۱):
<https://www.cbi.ir/simplelist/2054.aspx>
- بانک مرکزی. خلاصه تحولات اقتصادی کشور، ۱۳۸۰-۱۳۹۹. در دسترس (دی‌ماه ۱۴۰۰):
https://www.cbi.ir/SimpleList/AnnualReview_fa.aspx
- پتوسن، یوناس (۱۳۹۸). «سرمایه‌داری سوئدی در گذار: بین نتولیرالیسم و الگوی آلمانی». در: *ولفگانگ اشتریک و کالین کراوج. اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری مدرن: ترسیم همگرایی و افتراق*. ترجمه امیرحسین سادات. تهران: انتشارات شیرازه.
- پینکر، استیون (۱۴۰۰). *فرشتگان بهتر ذات ما: چرا خشونت کاهش یافته است؟*. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات تمدن علمی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۶). «بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه‌المسالمة (شهر صلح) فارابی و نظریه صلح پایدار کانت». *جستارهای سیاسی معاصر*. ۸ (۲۵). ۱-۲۸.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) (۱۴۰۰). «هزینه تحریم و دورزدن آن چقدر است؟». *ایرنا*. در دسترس (آبان‌ماه ۱۴۰۰):
<https://www.irna.ir/news/84321534>
- رستمی، سارا و فیروزکاه، زری (۱۳۹۹). «زنان و صلح جهانی با تاکید بر صلح‌بانان زن سازمان ملل متحد و جامعه زنان ایرانی». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. ۳ (۹). ۲۱۱-۲۴۴.
- زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۱). «پنج دهه فراز و فرود تولید: بررسی علل رشد پائین و بی‌ثبات اقتصاد ایران». *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*. ۱۳۶. ۲۰۲-۲۰۴.
- ذکایی، محمد (۱۳۹۴). *گزارش وضعیت محیط زیست ایران ۱۳۸۳-۱۳۹۲*. تهران: انتشارات حفاظت محیط‌زیست.
- فاضلی، محمد (۱۴۰۰). *ایران بر لبه تیغ*. تهران: انتشارات روزنه.

اقتصاد سیاسی توسعه صلح محور ... (سعید عطار) ۳۲۷

فروید، زیگموند (۱۳۷۷). «چرا جنگ؟». در: *خرد در سیاست*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: طرح نو.

عطار، سعید (۱۴۰۰). «اقتصاد سیاسی در سطح: نقدی بر کتاب اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی». *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. ۲۱ (۴). ۲۰۷-۲۳۰.

عطار، سعید (۱۳۹۱). *بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران)*. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

عظیمی، حسین (۱۳۸۳). *ایران امروز در آینه مباحث توسعه (برای حل بحرانهای کوتاه و بلندمدت اقتصادی کشور، چه می‌توان کرد؟)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

کریسبرگ، لوئیس و دبلیون دایتون، بروس (۱۳۹۷). *از خشونت تا دموکراسی (مقدمه‌ای بر حل و فصل منازعات)*. ترجمه عسگر قهرمان‌پور بناب. تهران: نشر جوینده.

کریمی، مهدی (۱۴۰۰). «تبیین الگوی استقرار صلح در اروپای پس از جنگ جهانی دوم»، *فصلنامه پژوهشهای روابط بین‌الملل*. ۱۱ (۴۰). ۳۵-۶۹.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به مثابه آزادی*. ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات کویر.

شومپتر، جوزف آلوئیس (۱۳۹۵). *اندیشه‌های اقتصادی والراس، منگر و مارشال*. ترجمه حسین فلاحی. تهران: انتشارات آماره.

طاهریان، میلاد و هادی تبار، اسماعیل (۱۳۹۸). «گذار از جرم‌شناسی صلح‌ساز به سیاست جنایی صلح‌مدار»، *آموزه‌های حقوق کیفری*. ۱۶ (۱۸). ۲۵۷-۲۸۸.

علیزاده، هانیه و غفاری، فرهاد (۱۳۹۲). «برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل موثر بر آن»، *فصلنامه اقتصاد مالی*. ۲۵ (۷). ۳۱-۶۹.

نورث، داگلاس سی، والیس، جان جوزف و وینگاست، باری آر. (۱۳۹۵). *خشونت و نظم‌های اجتماعی: چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر*. ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده. تهران: انتشارات روزنه.

نورث، داگلاس سی، والیس، جان جوزف و وینگاست، باری آر. (۱۳۹۴). *سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه: در سایه خشونت*. ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور. تهران: انتشارات روزنه.

موسسه رحمان (۱۳۹۰). *گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۱)*. تهران: موسسه رحمان.

موسوی، میرطاهر (۱۳۹۷). *آسیب‌های اجتماعی و نابرابری (دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران: ۱۳۸۸-۱۳۹۶)*. جلد دوم. تهران: انتشارات آگاه.

موسوی، میرطاهر (۱۳۹۷). همبستگی اجتماعی و نابرابری (دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران: ۱۳۸۸-۱۳۹۶). جلد یکم. تهران: انتشارات آگاه.

مومنی، فرشاد (۱۳۹۸). «نسبت صلح با علم اقتصاد (در مقیاس‌های کشوری و جهانی)»، سومین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران «علوم انسانی و اجتماعی و صلح». تهران.

میر، جرالدم. (۱۳۸۴). «نسل قدیم اقتصاددانان توسعه و نسل جدید». در: جرالدم میر و جوزف استیگلیتز، پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز. تهران: نشر نی.

Alonso, José Antonio and Ocampo, José Antonio (Eds.) (2020). *Trapped in the Middle? Developmental Challenges for Middle-Income Countries*. Oxford: Oxford University Press.

Billon, Philippe Le (2000). *The Political Economy of War: An Annotated Bibliography*. London: Overseas Development Institute.

Billon, Philippe Le (2014). *Wars of Plunder: Conflicts, Profits and the Politics of Resources*. Oxford: Oxford University Press.

Blomberg, Brock and Hess, Gregory D. (2002). "The Temporal Links between Conflict and Economic Activity." *Journal of Conflict Resolution*. 46 (1). 79-90.

Brinkmann, Ulrich and Nachtwey, Oliver (2013). "Industrial Relations, Trade Unions and Social Conflict in German Capitalism." *La Nouvelle Revue du Travail*. 22 (3). 1-55.

Coppolaro, L. and McKenzie, F. (2013). *A global history of trade and conflict since 1500*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

Darvy, John (1995). *Coming Out of Violence: Peace Dividends*. Northern Ireland: University of Ulster.

Devine, Patricia G., Hamilton, David Lewis and Ostrom, Thomas M. (1994). *Social Cognition: Impact on Social Psychology*, San Diego: Academic Press.

Dunne, John Paul and Tian, Nan (2016). "Military expenditure and economic growth, 1960–2014." *the Economics of Peace and Security Journal*. 11 (2). 50-56.

Elgin, Ceyhan (2020). *The Informal Economy: Measures, Causes, and Consequences*. New York: Routledge.

Farzanegan, Mohammad Reza (2017). "Can we predict political uprisings?" in *The Conversation*. Available online at: <https://theconversation.com/can-we-predict-political-uprisings-71925> [accessed 8 February 2022].

Farzanegan, Mohammad Reza (2020). "The Economic Cost of the Islamic Revolution and War for Iran: Synthetic Counterfactual Evidence." *Defence and Peace Economics*. 31. 129-149.

Gangopadhyay, Partha and Elkanj, Nasser (2016). *Analytical Peace Economics: The illusion of war for peace*. London and New York: Routledge.

- Gill, Indermit S. and Kharas, Homi (2015). "The Middle-Income Trap Turns Ten." Policy Research Working Paper 7403. *World Bank*. Available online at: <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/22660/The0middle0incom0e0trap0turns0ten.pdf?sequence=1&isAllowed=y> [accessed 1 February 2022].
- Gleditsch, Nils Petter, Bjerkholt, Olav, Smith, Ron P., Cappelen, Ådne and Dunne, J. Paul, eds, (1996). *The Peace Dividend*, Amsterdam: Elsevier.
- Hun Yi, Pyong, Ng, Sek Hong and Lansbury, Russell D. (2021). *Trade Unions and Labour Movements in the Asia-Pacific Region*. New York: Routledge.
- Institute for Economics & Peace (2018). "The Economic Value of Peace 2018: Measuring the Global Economic Impact of Violence and Conflict." *Institute for Economics & Peace*. Sydney. October. Available online at: <http://visionofhumanity.org/reports> [accessed 9 September 2021].
- International Alert (2005). "Conflict-sensitive business practice: Guidance for extractive industries." *International Alert*. London: International Alert. Available online at: <https://www.international-alert.org/publications/conflict-sensitive-business-practice-guidance-extractive-industries-en> [accessed 16 July 2021].
- International Alert (2015). "Peace Through Prosperity: Integrating peacebuilding into economic development." *International Alert*. London: International Alert; Available online at: https://www.international-alert.org/sites/default/files/Economy_PeaceThroughProsperity_EN_2015.pdf [accessed 16 July 2021].
- Junne, Gerd and Verkoren, Willemijn (Eds.) (2004). *Postconflict Development: Meeting New Challenges*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Karatzogianni, Athina (Ed.) (2012). *Violence and War in Culture and the Media: Five Disciplinary Lenses*. New York: Routledge.
- Keynes, John Maynard (1919). *The economic consequences of peace*. London: Macmillan & Co., Limited.
- Keynes, John Maynard (1930). "Economic Possibilities for our Grandchildren." in *Essays in Persuasion*. New York: Harcourt Brace, 1932.
- Killelea, Steve (2020). *Peace in the Age of Chaos: the Best Solution for a Sustainable Future*. New South Wales: One Tree Films.
- Koubi, Vally (2005). "War and Economic Performance." *Journal of Peace Research*, 42. 67-82.
- Lichtenstein, Nelson (2012). *State of the Union: A Century of American Labor*. New Jersey: Princeton University Press.
- Looney, Robert E. (2007). *Iraq's Informal Economy: Reflections of War, Sanctions and Policy Failure*. Abu Dhabi: Emirates Center for Strategic Studies and Research.
- McKinsey Global Institute (2021). "Opportunity Youth: Imagining a bright future for the next generation." *McKinsey Global Institute*. Available online at: <https://www.mckinsey.com/middle-east/our-insights/opportunity-youth?cid=other-eml->

alt-mip-mck&hdpid=23c6f6f7-0573-429f-a934-339fe449e01e&hctky=12146887&hlkid=79c3807c61e4441991fab27cb51965ae>[accessed 21 June 2021].

- Neudorf, Lorne (2017). *The Dynamics of Judicial Independence: A Comparative Study of Courts in Malaysia and Pakistan*. New York: Springer International Publishing.
- North, Douglass C. (2005). "The Contribution of the New Institutional Economics to an Understanding of the Transition Problem." In: *Wider Perspectives on Global Development, Studies in Development Economics and Policy*, London: Palgrave Macmillan.
- Ostendorf, Julian (2011). *Continuities Between Mao Zedong's China and Deng Xiaoping's China*. Hamburg: GRIN Verlag.
- Sener, Sefer and Schepers, Stefan (Eds.) (2017). *Innovation, Governance and Entrepreneurship: How Do They Evolve in Middle Income Countries? New Concepts, Trends and Challenges*. New York: Springer International Publishing.
- Sener, Sefer, Hacioglu, Volkan and Akdemir, Ali (2017). "Invention and innovation in economic change. Journal of Economics," *Finance and Accounting (JEFA)*. 4 (2).
- Shi, Jie (2020). *Modeling Peace: Royal Tombs and Political Ideology in Early China*. New York: Columbia University Press.
- Smith, Ron P. (2000). "Defence Expenditure and Economic Growth." in N.P. Gleditsch, G. Lindgren, N. Mouhleb, S. Smit, and I. de Soysa, eds. *Making Peace Pay: A Bibliography on Disarmament and Conversion*, Claremont, CA: Regina Books.
- Trebilcock, M. J. and Daniels, Ronald J. (2008). *Rule of Law Reform and Development: Charting the Fragile Path of Progress*. London: Edward Elgar Publishing.
- Trondalen, Jon Martin (2011). "Conflict Prevention and Peace Dividends Through Cooperation on Transboundary Water Management in SADC: Achieving Peace Dividends Through the Prevention of Water Conflicts." *SADC Secretariat*.
- Vasquez, John A. (1993). *The War Puzzle*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vernon, Phil (2016). "Bread and Peace: Linking Economic Development with Peacebuilding," *GREAT Insights Magazine*. 5 (1).
- World Bank (2021). "The World Bank in Indonesia." Available online at: <https://www.worldbank.org/en/country/indonesia/overview#1>; and <https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=ID>> [accessed 5 June 2021].
- World Bank (2020). "fragility, and conflict: On the Front Lines of the Fight against Poverty." *World Bank*. Available online at: <https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/9781464815409.pdf>> [accessed 22 April 2022].
- World Bank (2021). "fragility, conflict and violence." *World Bank*. Available online at: <https://www.worldbank.org/en/topic/fragilityconflictviolence/overview>> [accessed 11 June 2021].

اقتصاد سياسي توسعه صلح محور... (سعيد عطار) ٣٣١

World Bank (2011). *The World Development Report 2011: Conflict, security, and development*. Washington, DC: World Bank.